

تأثیر توبه در رفع محکومیت‌های کیفری از منظر فقه و حقوق

عبدالله مظفری^۱

چکیده

«توبه» یکی از موضوعات اخلاقی در معارف اسلامی است. پژوهش حاضر بر آن است که ابتدا توبه را مفهوم‌شناسی کند تا بتواند معنا و تفسیر دقیق و درستی از آیات و روایات در باب توبه ارائه نماید؛ توبه از تأسیس‌های حقوق جزایی اسلام است که برای اصلاح مجرم و خطاکار در نظر گرفته شده است و به عنوان یکی از موارد سقوط مجازات‌ها شمرده می‌شود و در سایر مکاتب کیفری امروزی، نمونه آن به چشم نمی‌خورد. در این پژوهش تلاش شده به توبه و نقش آن در رفع محکومیت کیفری حدود با ذکر دلایل قرآنی، روایی و نظرات فقهای عظام و استناد به مواد قانون مجازات اسلامی درباره اجرای حدود پرداخته و می‌توان گفت که باید به توبه متهم توجه خاص شود. البته با توجه به آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد می‌توان دریافت که این مسئله زمینه‌ای است تا مجرمان مشمول این امتیاز الهی شوند و همچنین جامعه شاهد کاهش تعداد خطاکاران باشد. از سویی «اثر توبه» در مورد مجرمان، اصلاح بیشتر آنان را در پی خواهد داشت برای توبه کننده ندامت حقیقی و قصد بر ترک گناه برای همیشه کافی است و نیاز به لفظ و اعمال خاصی ندارد. در قانون مجازات اسلامی، توبه از دیدگاه ویژه ای برخوردار است و چنانچه با شرایط آن انجام شود یکی از معاذیر قانونی بوده و باعث سقوط کیفر خواهد شد. در جرایم حق الله قبل از ثبوت جرم به وسیله اقرار یا شهادت شهود، مسقط مجازات بوده و در جرایمی که حق الناس است، مسقط کیفر نیست. حال مجرم اگر بعد از اقرار توبه کند قاضی می‌تواند (مخیراست) از ولی امر برای او تقاضای عفو نماید، زیرا حکم خاص برای اثبات توبه در مراحل دادگاه بیان نشده و قاضی اختیار زیادی برای احراز توبه دارد، اما توبه بعد از ارائه بیته، هیچ اثر حقوقی ندارد و لذا چنین توبه‌ای پذیرفته نیست و مجازات در حق مجرم اعمال می‌شود.

کلید واژه‌ها: قرآن، توبه، روایت، حد، مجازات، کیفر.

یکی از مباحث ارزنده در آموزه‌های اسلامی «توبه» است. توبه، عمری به درازای عمر انسان دارد، زیرا زندگی ابوالبشر حضرت آدم علیه السلام در زمین با توبه آغاز می‌شود و سایر انبیاء الهی نیز مانند ابراهیم خلیل، اسماعیل، یونس، موسی و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همواره در حال توبه بوده‌اند.

در قرآن کریم مسئله توبه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در آیات متعدد کلام وحی، به آن اشاره شده است. قرآن مجید در آیات متعدد، انسان‌ها را به توبه تشویق می‌کند.

خداوند توابین را مساوی با مطهرین قرار داده و این‌گونه می‌فرماید: «ان الله يحبّ التوابینَ و يحبّ المتطهرین»؛ همانا خداوند توبه‌کنندگان و مطهرین رادوست دارد. (بقره: ۲۲۲)

از دیدگاه قرآن و روایات، توبه چهره عمل را تغییر داده و گناهان را تبدیل به نیکی‌ها و حسنات می‌کند. وقتی ما سخن از توبه به میان می‌آوریم. بلافاصله معنای شرعی آن به ذهن تداعی می‌کند، زیرا توبه با آموزه‌های دینی و اخلاقی هم‌قرین بوده و از این منظر، بر این مفهوم تصریح شده است.

توبه قبل از آنکه رنگ حقوقی به خود پیدا کند رنگ دینی و اخلاقی به خود گرفته است. به ویژه که هدف و ذات توبه جز این نیست، تا انسان‌های پاک طینت، راهی را برای بخشش گناهان و مجازات دائمی از عذاب الهی پیدا کنند، انسانی که خصیصه ذاتی او خطا و نسیان است، نباید هیچ‌گاه از رحمت خداوند مأیوس گردد خداوند بخشاینده در آیات زیادی، خود را بسیار توبه‌پذیر «تواب» معرفی کرده و بر این صفت خود مباهات نموده است. در کتابهای فقهی، فقها نیز تعجیل و وجوب توبه را اشاره کرده اما این وجوب توبه، حکم ارشادی دارد، زیرا وجوب توبه به حکم عقل است.

امروز توبه به عنوان یکی از معاذیر قانونی در قوانین جزایی کشورها، به خصوص ملت‌های مسلمان جای گرفته و یکی از عوامل سقوط مجازات شناخته شده و در قوانین جزایی اسلامی از مختصات حقوق اسلامی به شمار می‌رود.

امروزه در مباحث جرم‌شناسی، در مورد ندامت و پشیمانی مجرم از گناه و تأثیر آن در تخفیف و سقوط مجازات، بحث‌های زیادی رابه خود اختصاص داده است. در این نوشتار تلاش می‌کنیم که این نهاد خاص حقوق اسلامی را، مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار دهیم و خوشبختانه قانون مجازات اسلامی ایران، مسئله توبه را مورد توجه قرار داده و در موارد مختلف از آن بحث نموده است.

ابتدا پس از بحث و بررسی پیرامون جایگاه توبه، مفهوم و مبنای توبه، آثار توبه حقیقی را از دیدگاه قرآن و روایات مورد بحث قرار می‌دهیم، سپس به مسئله پذیرش توبه، با توجه به قوانین موضوعه ایران و نظرات فقهای امامیه می‌پردازیم؛ با اعتراف به این نکته که بحث توبه گسترده‌تر از آن است که بتوان آن را به عنوان مقاله در نظر گرفت.

۱. مفاهیم

۱.۱. توبه در لغت

ابن فارس می‌گوید: «توبه: التاء و الواو و الباء لكللمة واحدة، تدلّ علی الرجوع. يقال: تاب من ذنبه ای رجع عنه. يتوب الله توبة و متاماً»؛ توبه: ت، و، ب، یک کلمه توبه، به بازگشت دلالت می‌کند گفته می‌شود توبه از گناه یعنی بازگشت از آن. (ابن فارس، بی تا: ۱/ ۱۸)

توب، توبه، متاب، همه به معنای رجوع و برگشتن است». (قریشی، ۱۳۵۴: ۱/

۲۵۸)

در جای دیگر آمده «التوبته: با الفتح و سکون الواو، فی الغته الرجوع» توبه با فتح «تا» و سکون «واو» در لغت به معنای بازگشت است.

ابن منظور در «لسان العرب» می‌گوید: «التوبة الرجوع من الذنب و تاب الى الله يتوب توباً و متاباً انا ب و رجع عن المعصية الى الطاعة... و تاب الله عليه فقه لها و الله توابٌ علی عبده». (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/ ۲۳۳)

یعنی: توبه عبارت از رجوع گناه و بازگشت به سوی خداوند است.

راغب اصفهانی توبه را در مفردات چنین آورده است: «التوبة ترك الذنب على اجمل الوجوه؛ توبه ترك گناه است به زیباترین شکل». (خسروی حسینی، ۱۳۸۷: ۷۶/۱)

۱. ۲. توبه در اصطلاح

بزرگان اهل لغت، در تعریف اصطلاحی توبه، چنین گفته‌اند: «التوبة الرجوع من الذنب»، توبه به معنای بازگشت از گناه است و عدم رجوع دوباره به سوی گناه. راغب در تعریف توبه چنین می‌گوید:

توبه یعنی ترک گناه به بهترین وجه، واژه توبه بهترین وجه عذرخواهی است، زیرا اعتذار، عذرخواهی بر سه وجه است؛ اول: عذرخواهنده می‌گوید: من گناه نکرده‌ام. دوم: می‌گوید: به این دلیل گناه کردم. سوم می‌گوید: گناه کردم بد کرده‌ام و دیگر تکرار نمی‌کنم. که این معنای وجه چهارم ندارد و معنای سوم همان توبه است. (خسروی حسینی، ۱۳۸۷: ۳۰۱/۱)

در کتاب «معجم فقه الجواهر» در تعریف توبه آمده است: «هی الندم علی ما وقع من المعصية والعزم علی عدم الوقوع فی ما یأتی و ان ذلک امثالاً لامرالله تعالی شأنه؛ توبه یعنی پشیمانی بر آنچه که از معصیت، واقع شده و عزم بر انجام ندادن آن در آینده؛ همانا آن فرمانبرداری بر امر خداوند متعال است». (جوهری، ۱۸۸۲م: ۱۱۶)

۱. ۳. تفاوت توبه و ندامت

ندامت و مشتقات آن در کتاب لغت عربی دارای معنای متفاوتی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تغییر نظر و رأی فاعل پس از انجام عمل، «الندم: الندم و الندامة التحیر من تغیر رأی فی امر فأتت؛ افسوس خوردن از انجام دادن عملی که وقت آن گذشته پس از تغییر رأی و نظر فرد». (دلیر نقی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۶)

۲. ندم: «الندم و الندامته واحد، و ندم فلان فهو نادم سادم؛ ندم و ندامت یکی است و فلانی پشیمان شد، یعنی او پشیمان و اندوهگین است. (همان: ۱۶)
در تعریف دیگر از توبه آمده است:

انَّ التَّوْبَةَ اخْصَصَ مِنَ النَّدَمِ وَ ذَلِكْ اِنَّكَ قَدْ تَنْدَمُ عَلٰى شَيْءٍ وَّ لَا تَعْتَقِدُ قَبْحَهُ وَّ لَا تَكُونُ التَّوْبَةُ مِنْ غَيْرِ قَبْحٍ فَلِكُلِّ تَوْبَةٍ نَّدَمٌ وَّ لَيْسَ كُلُّ نَّدَمٍ تَوْبَةً.

همانا توبه اخصص از پشیمانی است و این به خاطر آن است که وقتی تو از چیزی پشیمان بشوی که اعتقادی به زشتی آن نداری و در حالی که توبه غیر از زشتی نیست، پس هر توبه پشیمانی است و هر پشیمانی توبه نیست. (دلیر نقی نیا، ۱۳۸۵: ۱۸)

راغب در مفردات بیان داشته است. ندم و ندامت، حسرت و افسوس است برای تغییر فکر و رأی درباره کاری که گذشته است و اصلش از فراگیری و پیوستگی غم و اندوه برکسی است. (خسروی حسینی، ۱۳۸۷: ۳/۳۰۲)
در ذیل واژه ندم و مشتقات آن چنین بیان شده است:

۱. ندم: پشیمان شدن، پشیمانی، پشیمان بودن؛

۲. ندامت بردن، پشیمان گشتن، تأسف خوردن بر کرده و گذشته، پشیمان شدن؛

۳. پشیمانی: حالت چگونگی پشیمانی ندامت، ندم، تأسف اسف، دریغ؛

۴. ندامت و پشیمانی افسوس، تأسف؛

۵. ندیم، ندیمان و منادم در معنا به هم نزدیک‌تر و همان همنشین واژه شریب یا شریبان، ندیم یا ندیمان هستند که در میخوارگی به خاطر پیامدها و عواقب زشتکاران به ندامت و پشیمانی می‌رسند. (دلیر نقی نیا، ۱۳۸۵: ۱۸)

۱.۴. تعریف گناه

هر عملی که مخالفت با اوامر و نواهی الهی محسوب شود گناه نام دارد. این گناهان یا به زیان خود فرد مرتکب هست، مثل شرب خمر، حد و دروغ یا به ضرر دیگری مثل قتل و یا به زیان جامعه مسلمین مثل محاربه. بعضی از گناهان مثل جرایم مستوجب حد و قصاص، مجازات مخصوص و مشخص در کتاب و سنت دارند و بعضی از گناهان مجازاتشان نامعلوم و در هر زمان بسته به نظر حاکم شرع است. مثل جرایم تعزیری یا گناهان مستوجب تعزیر که مجازات‌های آنها بسته به نظر حاکم شرع است. بعضی از این گناهان به عنوان جرم در بخش تعزیرات آمده است و برای مجازات آن‌ها در نظر گرفته شده است. مثل بدحجابی، سرقت تعزیری و...، ولی برای بعضی گناهان مجازاتی در نظر گرفته نشده است. مثل، سخن چینی، ترک نماز و... و بدیهی است که از دید قانون این اعمال عنوان مجرمانه ندارد و از آنجایی که در نظام قضایی ما اکثر قضات مأذون هستند، نه مجتهد و در نتیجه صلاحیت علمی برای فحص و جستجو در منابع احکام اسلامی و استخراج گناهان و در نظر گرفتن مجازات برای آن را ندارند و صلاحیت قضاوتشان محدود به همان قوانین موضوعه است، در نتیجه نمی‌توان این افراد را مجازات کرد.

در گناهایی که فاقد مجازات دنیوی هستند، ندامت و پشیمانی حقیقی از انجام گناه و عزم بر ترک آن برای همیشه و کوشش در جبران آنچه از دست رفته است، برای توبه کافی است. به عوان نمونه کسی که غیبت دیگری را نموده یا نماز واجب را ترک کرده است باید علاوه بر ندامت و عزم بر ترک گناه از کسی که غیبت او را کرده حلالیت بطلبد یا نماز واجب را قضا کند. در اینجا توبه مجازات اخروی را ساقط می‌کند (فرح‌بخش، ۱۳۸۲: ۶) و احياناً اگر در دنیا حاکم شرع مجازاتی در نظر بگیرد آن هم ساقط می‌شود.

توبه از گناهایی که واجد مجازات دنیوی هستند بعضی از جرایم جنبه حق الهی محض دارند. یعنی مجازات برای این جرایم بدین خاطر رفع شده است و نسبت به اراده باری تعالی بی‌اعتنایی شده است، صرف نظر از اینکه انجام آن‌ها بر جامعه لطمه وارد کند یا خیر. به تعبیر دیگر فلسفه جرم بودن این

اعمال مخالفت با اوامر و نواهی باری تعالی است و اینکه چنین عملی نظم عمومی را مختل می‌کند یا مختل نمی‌کند، مورد بحث نیست. نتیجه آنکه اگر بعضی از این جرایم مثل زنا یا شرب خمر و... اتفاق بیفتد بدون آنکه نظم عمومی را مختل کند باز قانون مجازات است و محتاطانه می‌توان گفت که چون این جرم در آخرت مجازات دارد به تبع آن در دنیا مجازات در پی خواهد داشت. (همان: ۶۴)

۵.۱. تعریف جرم

در تعریف جرم گفته شده است: «جرایم از دیدگاه شریعت اسلامی عبارت از محظورات اعمال ممنوعه شرعی است که خداوند به وسیله کیفر حد یا تعزیز از آن منع کرده است». (موسوی، ۱۳۸۸: ۹۱)

بنابراین، جرم انجام حرام یا ترک واجب است که انجام یا ترک آن دارای مجازات است.

به عبارت دیگر جرم فعل یا ترک فعل است که شریعت آن را تحریم و برای آن مجازات تعیین کرده است. از تعریف جرم روشن می‌شود که فعل یا ترک فعل جرم شمرده می‌شود، مگر آنکه برای آن مجازات مقرر شده باشد، لذا اگر فعل یا ترک فعل مجازات نداشته جرم نیست. فقها از مجازاتها به «اجزیه» تعبیر می‌کنند و مفرد آن جزا است. (همان: ۹۲)

جرم واژه عربی و هم خانواده با جَرَم و جریمه و جرم در اصل به معنای قطع، حمل کسب و بریدن واداشتن (دست‌آورد) به کار رفته است. به سبب قطع رحمت خدا بر بدن شخص از انسانیت، جرم نام دار شده. در قرآن کریم نیز مشقات ماده جرم و اجرام و مجرم به همین معنای لغوی استعمال شده است. (همان: ۱۵۴)

آیه شریفه در این باره می‌فرماید: «وَيَجْعَلُونَ لِّهٖ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ؛ آن‌ها برای خدا چیزهایی قرار می‌دهند که خودشان از آن کراهت دارند [فرزندان دختر] با این حال

زبانشان به دروغ می‌گوید سرانجام نیکی دارند! از این رو برای آنان آتش است؛ و آنها از پیشگامان دوزخ‌اند». (نحل: ۶۲)

در نظام حقوق اسلام، جرم همانند بسیاری از اصطلاحات حقوقی دارای معنای لغوی و اصطلاحی است.

معنای لغوی جرم عبارت است از ثمرچیدن از درخت در لسان حقوقی، فقهی، جرم به ارتکاب کارهای زشت و ناپسند و مخالف حق و عدل اطلاق می‌شود. (میلانی، ۱۳۸۶: ۹۳)

فقیهان در مقام تعریف جرم به معنای لغوی آن در فرهنگ اسلامی توجه کرده‌اند؛ جرم مرادف با گناه کبیره یا اصرار بر صغیره، عبارت است از انجام یا ترک قول یا فعلی که قانون و شریعت اسلامی آن را واجب یا حرام اعلام نموده و تخلف از آن، کیفر اخروی یا دنیوی مانند حد قصاص در باب کفارات و تعزیرات مقرر داشته است. به عبارت دیگر، جرم در اسلام عبارت است از تجاوز کردن به حریم مصالح و ارزش‌های معتبر اسلامی در زندگی آدمی که با واژه‌های اثم، جناح، حرج، خطیره ذنب، فاحشه، حرّم، سیئه، معصیت و وزر، برابر است. (همان: ۱۵۶)

علامه در کتاب «القواعد الاحکام»، جرم را پنج نوع می‌داند:

علیه جان، علیه عقل، علیه نسل، علیه مال و علیه دین. به عبارت دیگر اصول و قواعد دین الهی برای محافظت پنج چیز است: جان آدمی، دین آدمی، نسل آدمی، مال آدمی و عقل آدمی مقدر شده است و برای حفظ نفس است که دیه قصاص و دفاع آمده است و برای حفظ دین است که جهاد و کشتن مرتد آمده است و برای حفظ عقل است که تحریم خمر، حد زدن آمده است و برای حفظ نسل است که حرمت زنا، لواط و دیگر اعمال انحرافی مشابه آمده است. و برای حفظ مال است که تحریم سرقت و خیانت و نظایر این‌ها آمده است. (میلانی، ۱۳۸۶: ۹۳)

۲. مبنای پذیرش توبه شرایط و آثار توبه

در حقوق اسلامی توبه به عنوان یکی از اسباب سقوط مجازات ذکر شده است. مبنای این نظر در آیات قرآن و روایات معصومینس به طور مفصل بیان شده است. که به طور اجمالی مطرح می‌گردد. از آنجا که ممکن است که برخی از افراد در پذیرش توبه نگران باشند. حضرت حق ضمن اینکه یکی از صفات خود را در توبه‌پذیر بودن معرفی می‌کند به صراحت اعلام می‌فرماید که توبه‌کنندگان را دوست دارد.

در آیه ۲۵ سوره شورا، خداوند می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ؛ اوست خدایی که توبه را از بندگان می‌پذیرد و از گناهان عفو می‌فرماید و به آنچه می‌کنید داناست» (شوری: ۲۵)

در قسمتی از آیه ۲۲ سوره بقره به صراحت اعلام فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ؛ همانا خداوند توبه‌کننده‌کان را دوست می‌دارد». (بقره: ۲۲۲)

بعد از پی بردن به عظمت و اثر توبه این سؤال مطرح می‌شود که آیا توبه پذیرفته می‌شود یا خیر؟ در این زمینه آیات شریفه و روایات دیگر، روشنگر مسئله هستند.

خداوند رحمان در آیه شریفه می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ؛ آیا نمی‌دانند این خداوند است که توبه‌بندگان را می‌پذیرد و بدی‌ها را می‌بخشد، و آنچه را انجام می‌دهید می‌داند». (توبه: ۱۰۴)

از این آیه دو نکته استفاده می‌شود؛ اولاً توبه‌پذیر خداوند است، ثانیاً خداوند توبه‌بندگان را می‌پذیرد.

بنابراین مسلم است که در صورت ثبوت توبه، قبول آن از سوی خداوند حتمی است؛ و اینکه این قول الهی نیز مؤید این معناست: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا؛ خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد! و پایین‌تر از آن را برای هر کس (بخواهد و شایسته بداند) می‌بخشد. و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است». (نساء: ۴۸)

واژه توبه در آیات متعددی از قرآن به کار رفته است. در برخی موارد به معنای توبه انسان به سوی خداوند و در برخی موارد به معنای توبه خدا به سوی انسان است. وجه مشترک هر دو معنا بازگشت است، لیکن فرق توبه خدا با توبه انسان، آن است که توبه انسان برگشت به سوی خدا با ترک گناه و تصمیم بر انجام ندادن آن گناه است. و توبه خداوند بازگشت خدا به سوی بنده با رحمت و مغفرت و به معنای توفیق دادن به بنده برای توبه کردن است.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَأَخْرَجُوا عَتْرُفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَأَخْرَسَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و گروهی دیگر به گناهان خود اعتراف کردند و کار خوب و بد را به هم آمیختند؛ امید می‌رود که خداوند توبه آن‌ها را بپذیرد؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است.» (توبه: ۱۰۲)

۳. اهمیت توبه

توبه به تمام معانی که در قرآن مجید وارد شده، یکی از تعالیم مختص این کتاب مقدس آسمانی است، زیرا حقیقت توبه وابسته به ایمان است و خود توبه جدایی از ایمان نیست، اما در قرآن کریم، توبه معنای بسیار وسیعی پیدا نموده و قرآن معانی گوناگونی را برای آن بیان نموده است. ابتدا شایسته است که درباره مبنای توبه به عنوان سبب سقوط مجازات بحث کوتاهی نموده و بعد توبه را مطرح می‌نماییم.

۳. ۱. توبه از دیدگاه قرآن

در شریعت اسلام از توبه به عنوان یکی از اسباب سقوط مجازات نام برده شده است، لذا می‌بایست حقیقت توبه و مبنای پذیرش آن به عنوان یکی از علل سقوط مجازات به روشنی مشخص شود، به ویژه با عنایت به اینکه در اسلام هدف عمده مجازاتها اصلاح مجرم و گناهکار می‌باشد.

قرآن کریم در باب متعدد انسان‌ها را به توبه تشویق می‌کند. خداوند توابعین را مساوی با مطهرین قرار داده و در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ؛ همانا خداوند توبه‌کنندگان و مطهرین را دوست دارد.» (بقره: ۲۲۲)

اهمیت توبه و توبه‌کنندگان آنچنان در نزد خداوند والاست که یکی از سوره‌های قرآن کریم را به نام «توبه» نام‌گذاری شده است، لذا واژه توبه و مشتقات آن ۹۲ بار و کلمه استغفار و مشتقات آن ۴۵ بار در قرآن مجید ذکر شده است.

قرآن روش توبه‌ای را که روش بی‌نظیر و موفق برای درمان احساس گناه است به ما ارائه می‌دهد، زیرا توبه بازگشت به سوی خداوند متعال و سبب آمرزش گناهان و تقویت امید انسان به جلب رضایت الهی است. به همین دلیل موجب کاهش شدت اضطراب انسان می‌شود. علاوه بر این توبه غالباً انسان را به اصطلاح و خودسازی وامی‌دارد و شخصیت او را طوری آماده می‌کند که بار دیگر در دام خطاها و گناهان گرفتار نشود و همین امر به انسان کمک می‌کند که ارزش خود را بیشتر بشناسد و با اعتماد به نفس و رضایت در وی افزایش یابد. بر این اساس، و این نگاه به توبه، باعث تثبیت احساس امنیت و آرامش روانی انسان منجر خواهد شد. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹: ۱۱۶/۲)

لفظ توبه در آیات متعددی از قرآن به کار رفته است. در برخی موارد، به معنای توبه انسان به سوی خدا و در برخی موارد به معنای توبه خدا به سوی انسان است. وجه مشترک هر دو معنا، بازگشت است، لیکن فرق توبه خدا و توبه انسان، آن است که توبه انسان، برگشت به سوی خداوند با ترک گناه و تصمیم بر انجام ندادن آن گناه است و توبه خدا بازگشت خدا به سوی بنده با رحمت و مغفرت و به معنای توفیق دادن به بنده برای توبه کردن است.

خداوند تبارک در قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ توبه فقط برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می‌دهند و سپس به زودی توبه می‌کنند خداوند توبه چنین اشخاص را می‌پذیرد و خدا، دانا و حکیم است». (نساء: ۱۷)

ظاهر آیه شریفه در مقام بیان مسئله توبه کردن خداست و اینکه هر جا توبه به خدا نسبت داده می‌شود، معنایش برگشت رحمت خدا به سوی بنده است، نه اینکه منظور از توبه خدا، توبه بنده باشد، اگر چه لازمه توبه خدا، توبه بنده

نیز هست، چون وقتی شرایط توبه خدای سبحان تمام باشد لازمه لاینفک آن این است که شرایط توبه عبد نیز تمام شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۳۷۶)

همچنین خداوند در جایی دیگر از قرآن، توبه را راه نجات گروهی از اهل کتاب بیان می‌کند:

«إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ مگر آنها که توبه و بازگشت کردند و اعمال بد خود را با اعمال نیک اصلاح نمودند و آنچه را کتمان کرده بودند آشکار ساختند که من توبه آن‌ها را می‌پذیرم که من تَوَّابٌ و رحیم هستم». (بقره: ۱۶۰)

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه مذکور می‌نویسد:

جمله «إِنَّا تَوَّابٌ الرَّحِيمُ»، مخصوصاً با توجه به اینکه بعد از جمله «فأولئك أتوب عليهم» قرار گرفته دلالت بر نهایت محبت پروردگار نسبت به توبه بدکاران می‌کند و می‌گوید اگر آن‌ها به اطاعت و بندگی بازگشت کنند من نیز به رحمت بازگشت می‌کنم و مواهبی را که قطع کرده بودم مجدداً به آن‌ها می‌بخشم.

نکته قابل توجه این است که خدا نمی‌گوید شما توبه کنید تا توبه شما را بپذیرم. می‌فرماید: «شما باز گردید من نیز باز می‌گردم». فرق میان این دو تعبیر روشن است؛ علاوه بر این، لفظ «إِنَّا» که ضمیر متکلم وحده است در مواردی به کار می‌رود که گوینده در مقام بیان رابطه مستقیم خود با شنونده باشد. مخصوصاً اگر شخص بزرگی بگوید: من خودم این کار را برای شما انجام می‌دهم بسیار فرق دارد تا بگوید: ما چنین خواهیم کرد و لطف و محبتی که در تفسیر نهفته است بر هیچ کس پوشیده نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۵۴۸/۱)

با توجه به اهمیت توبه از دیدگاه قرآن مجید که خداوند در آیات مکرری، انسان‌های عامی به حیات معقول، فرد و جامعه را ترغیب و تشویق به توبه فرموده است، زیرا که توبه خود تحولی در درون است که موجب اصلاح نائب و ترمیم روابط انسانی او در جامعه می‌شود. حضرت حق خطاب به حضرت رسول

می‌فرماید: «وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ؛ کسانی که مرتکب گناه شده و پس از آن توبه کرده و ایمان آوردند. پروردگار تو از پی آن آمرزنده و رحیم است». (اعراف: ۱۵۳)

اصولاً گناه موجب تخریب حالت روحی و روانی فرد است، زیرا با وجدان و فطرت پاک انسانی در تضاد و تغایر است. اگر گناه‌های مکرر از انسان سر بزنند و نتواند وضعیت خوب روانی خود را اصلاح نماید و احساس گناه دائمی در روح او تثبیت شود. در این حالت، چنین فردی دچار یأس و نگرانی و اضطراب پیوسته خواهد شد و نه تنها رفتار و کردارش در ارتباط با خود، بلکه فراتر از آن، نسبت به اجتماع نیز دچار اختلال می‌شود. خداوند تبارک و تعالی برای اینکه از تثبیت یأس در افراد مزبور جلوگیری فرماید، به سوی خدا قبل از فرارسیدن شرایطی که امکان رجوع نباشد.

آنان را امیدوار به فضل و رحمت خود کرده و از اینکه یأس را در درون خود ماندگار نماید به جد بر حذر می‌دارد. از جمله آیه ۵۳ سوره زمر خداوند به پیامبرش راجع به گنهکاران می‌فرماید:

«ای پیامبر خطاب کن، به آن دسته از بندگان من که بر نفس خود اسراف روا داشته‌اند و مرتکب خطا و گناه شده‌اند از رحمت الهی مأیوس نشوند، زیرا خداوند همگی گناهان را می‌آمرزد، او آمرزنده و مهربان است». (اعراف: ۱۵۳)

خداوند در آیه دیگر درباره توبه و بازگشت می‌فرماید: «وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ؛ و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید!». (زمر: ۵۴)

۳.۲. توبه از دیدگاه روایات

بر صاحبان بصیرت مخفی نیست که توبه، شعبه‌ای از فضل عظیم الهی و دری از درهای رحمت خداوند است که به روی بندگان باز نموده است. انسان گناهکار وقتی آگاه می‌شود که به خاطر زشتی گناه چه فاصله‌ای بین او و محبوب و خالقش افتاده است، پشیمان گشت و این آتش پشیمانی سراسر وجود و جانش را فرا می‌گیرد

و یک انقلاب در درون او رخ می‌دهد و تمامی آثار شوم ریشه‌های گناه با آتش سوزانده شده و نهاد آرام و پاک در دل او جای می‌گیرد. چنان که در بسیاری از روایات، ندامت و پشیمانی از ارتکاب گناه و جرم را توبه دانسته و به صراحت بیان می‌کند که پشیمانی و ندامت واقعی مانع از برگشت شخص توبه‌کننده به سوی اعمال مجرمانه و گناه می‌شود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «من ندم فقد تاب» یعنی هر کس از کرده‌های به خویش پشیمان شود به تحقیق توبه کرده است. روایات وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام به صورت روشن به بیان ارکان و شرایط توبه پرداخته است و به روشنی آن را بیان می‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «توبه‌کننده باید اثر توبه را آشکار کند که در غیر این صورت تائب نخواهد بود.

این آثار عبارت‌اند از: راضی ساختن دشمن و کسانی که با آن‌ها در حال نزاع و درگیری باشد، اعاده نمازهای فوت شده، تواضع بین مردم، دوری از شهوات و روزه گرفتن. (اسحاقی محمد، ۱۳۷۹: ۲۸)

از فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که اصلاح عمل و عمل صالح را از شرایط پذیرش توبه و محبت آن شمرده شده است. همچنین که امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در بیان پذیرش توبه می‌فرماید: «التوبة علی اربعة دعائم، ندم بالقلب و استغفار باللسان و عمل بالجوارح و عزم عمل لا يعود». (زواره‌ای، ۱۳۹۲: ۲/۳۹۴)

در این سخن حضرت به صورت روشن، ستون‌های توبه را مشخص می‌کند که هم شرایط درونی و هم بیرونی را در برمی‌گیرد.

در روایتی دیگری از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که شخصی در حضور ایشان کلمه استغفار را بر زبان جاری کرد. حضرت فرمودند آیا می‌دانی استغفار چیست؟ استغفار از درجه علیین است و سپس شش مرحله را برای استغفار برشمردند.

در واقع گفتار حضرت، جامع‌ترین سخن درباره اصلاح فرد است که در قالب شرح و تبیین «استغفار» ارائه شده است:

کسی در محضر حضرت کلمه استغفار را بر زبان جاری کرد. گویا امام از طرز سخن او، سوابق و لواحق اعمالش می‌دانست که این استغفار جنبه صوری دارد و نه واقعی، به همین جهت از این استغفار برآشت و فرمود مادرت به عزایت بنشیند. آیا می‌دانی استغفار چیست؟

ان قاتلاً، قال بحضرت استغفرالله، فقال: ثکلتک امک اتدري مالا استغفار؟ استغفار درجه العلیین و هو اسم و واقع علی سته معان اولها- الندم علی ما مضی والثانی- العزم علی ترک العود ابدأ و الثالث ان تؤدی الی المخلوق حقوقهم حتی تلقی الله عزوجل امس لیس علیک بتعبیه.

الرابع، ان تعمد الی کل فریضة علیک ضیعتها فتؤدی حقها.

والخامس، ان تعمد الی اللحم الذی نبت علی السحت فتذیبه بالاحزان حتی تلصق الجلد العظم و ینشئو بینهما لحم جدید.

السادس، ان تذیق الجسم الی الطاعته كما اذقته حلالات المعصیته، فعند ذلك تقول استغفرالله.

در این فرمایش، حضرت نکات ظریفی راجع به توبه بیان کرده است که یک توبه واقعی از سوی تائب، آن هم در مرحله عمل باید با گفتار حضرت مطابقت داشته باشد و اگر ما بخواهیم چنین شخصی توبه‌کننده از گناه شمرده شود و توبه او مقبول حضرت حق، قرار بگیرد. گفتار حضرت بیانگر توبه راستین است. (حرام‌املی، ۱۴۰۹: ۱۱/۳۶۱)

توبه واقعی باید این شرایط را دارا باشد:

۱. پشیمانی از گناه گذشته؛
۲. تصمیم بر ترک گناه برای همیشه؛
۳. دین و حقوق مردم را ادا کنی، چنان که وقتی خدا را ملاقات می‌کنی حقی بر گردنت نباشد؛
۴. کاملاً توجه کنی، هر واجبی را که ترک کنی قضا کنی؛
۵. آن قدر بر گناه اندوهناک باشی که گوشتی را که از خوردن حرام بر بدنت رویده آب شود؛

۶. درد و سختی طاعت را بر بدنت بجشانی، چنان که قبلاً شیرینی معصیت رابه او چشانیده‌ای، بعد از آن بگویی استغفرالله. (همان: ۳۶۱)

موارد شش‌گانه ارکان یک توبه واقعی است که تا عمق جان و روح گناهکار و مجرم رسوخ پیدا می‌کند و از او انسان صالح و شایسته برای جامعه درست می‌کند. همچنین اثر ظاهری بیرونی آن نیز نزد همگان آشکار و روشن می‌شود و این تحول باطنی تنها مرهون احیاگر امر توبه در مکتب اسلام است.

۴. احکام و آثار توبه

اصولاً توبه زمانی مطرح می‌شود که گناه و معصیت از طرف شخص انجام یافته باشد. بدون انجام گناه توبه‌ای مطرح نیست، چون که شخص عمل ناپسندی را انجام نداده است تا اظهار ندامت کند. گناهان نیز به اقسام و انواعی تقسیم می‌شوند. همچنین بسته به اینکه گناه انجام یافته در کدام دسته از گناهان است، بعضی از شرایط توبه فرق دارند. مثلاً گناهان کبیره و صغیره و یا گناهانی که جنبه حق الهی دارند و یا جنبه حق الناسی دارند.

۴. ۱. آثار توبه

۴. ۱. ۱. ندامت و پشیمانی از انجام گناه

ندامت باید باطنی و حقیقی باشد؛ یعنی شخص مرتکب گناه بداند که معصیت خداوند را انجام داده و از اینکه در محضر الهی اوامر و نواهی او را نادیده گرفته است به شدت آزرده خاطر گردد. اگر این پشیمانی ناشی از مسائل دیگر باشد مثلاً به خاطر ضرر و زیان جسمی و روحی نشئت از گناه پشیمان گردد یا به خاطر ترس از مجازات یا رسوایی ناشی شود، توبه او تحقق نمی‌پذیرد.

۴. ۱. ۲. عزم بر ترک گناه برای همیشه

پس از ندامت و پشیمانی حقیقی مرتکب باید با خدای خود عهد ببندد که دیگر دست به چنین گناهی نزند و برای همیشه گناه را ترک کند و درصدد

جبران مافات و استغفار برآید. عزم بر ترک گناه باید آگاهانه و از روی اختیار و طیب خاطر باشد. یعنی شخص خاطی به صرف رعایت اوامر الهی چنین تصمیمی را گرفته باشد و الا اگر به خاطر ترس از رسوایی بین مردم و مجازات چنین عزمی را جزم کند توبه او بی‌فایده است، یا اگر مرتکب به خاطر دوری از ابتلا امراض یا به خاطر عجز و ناتوانی جسمی و روحی خود تصمیم به ترک آن عمل برای همیشه بگیرد، توبه چنین شخصی محقق نشده و قابل قبول در پیشگاه خداوند نیست. (فرح بخش، ۱۳۸۲: ۴۲)

۴. ۱. ۳. روی آوردن به اعمال صالحه و عبادات

مرتکب علاوه بر دو مورد بالا که ذکر شد، باید در انجام اعمال نیکو و پسندیده و در به جا آوردن عبادات و واجبات کوشا باشد و به جدیت آنها را انجام دهد؛ البته انجام عمل صالح برای تکمیل توبه ضروری است و به تعبیر دیگر کاشف از توبه حقیقی است.

آنچه که از آیات و روایات مربوطه به توبه استفاده می‌شود این است که انجام اعمال صالح برای ایجاد توبه ضروری نیست، بلکه کاشف از آن است. یعنی مرتکب که با جدیت و کوشش خود به اعمال نیکو و پسندیده روی می‌آورد معلوم می‌شود که سابقاً توبه نکرده است و آثار آن اکنون ظاهر شده است. (همان: ۴۴) آن‌گاه توبه کند و استغفرالله را بگوید.

۴. ۲. وجوب توبه

توبه از اموری است که هیچ اختلافی در وجوب آن نیست. علمای فرقه‌های مختلف اسلامی بر وجوب آن اجماع دارند. دلایل وجوب آن قرآن، سنت، اجماع و عقل است. حال برای روشن‌تر شدن مسئله به بحث تفصیلی آن پرداخته می‌شود.

۴. ۲. ۱. وجوب توبه در قرآن

دلیل اول بر وجوب توبه آیات کثیری است که به صورت صیغه امر آمده است. در این زمینه به ذکر چند آیه شریفه می‌پردازیم:

- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا»؛ و همگی به سوی خدا بازگردید
ای مؤمنان تا رستگار شوید. (تحریم: ۸)

در قسمت اول این آیه خداوند زنان را به رعایت عفت و دوری از اموری که
آتش را در دل مردان شعله‌ور می‌سازد دعوت می‌نماید و سرانجام با دعوت
همه مؤمنان اعم از مرد و زن به توبه و بازگشت به سوی خدا آیه را به پایان
می‌رساند و بیان می‌کند که اگر در گذشته کارهای خلاف عفت انجام داده‌اید،
اکنون که حقایق اسلام برای شما معلوم شد از خطاهای خود توبه کنید و برای
نجات و رستگاری به سوی خدا آید که رستگاری تنها بر در خانه اوست و
برای نجات از لغزشگاه‌های خطرناکی که بر سر راه شما وجود دارد خود را به
خدا بسپارید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۴۲۲/۱۴)

- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ
وَيَدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! توبه کنید،
توبه خالص، امید است با این کار پروردگارتان گناهانتان را ببخشد. (تحریم: ۸)
درباره توبه نصوح و خالص بیان داشته اند که «توبه نصوح» به معنای بازگشت

از گناه و دست کشیدن از کار زشت آمده است. (انوری، ۱۳۸۱: ۸۷)

در کتاب صحاح اللغة جوهری آمده است: «توبه نصوح یعنی توبه
صادقانه» (جوهری، ۱۸۸۲م: ۴۱۱/۱) راغب در مفردات الفاظ قرآن، توبه نصوح را
به معنی توبه محکم آورده است. (خسروی حسینی، ۱۳۸۷: ۳/۳۴۵)

در تفسیر نمونه آمده است این آیه راه نجات از آتش دوزخ را نشان
می‌دهد؛ نخستین گام برای نجات انسان‌ها توبه از گناه است؛ توبه‌ای که از هر نظر
خالص باشد. توبه‌ای که محرک آن فرمان خدا و ترس از گناه باشد، توبه‌ای که برای
همیشه انسان را از معصیت جدا کند و بازگشتی در آن رخ ندهد.

۲.۲.۴. وجوب توبه در سنت

دلیل دوم بر وجوب توبه روایات معصومین علیهم‌السلام است. ابو الدرداء می‌گوید:

پیامبر ﷺ در روز جمعه خطبه خوانده و فرمودند: «با ایها الناس توبوا الی الله قبل ان تموتوا و بادروا باعمال الصالحة قبل ان تشغلوا»؛ ای مردم به سوی خدا توبه کنید قبل از اینکه مرگ سراغ‌تان بیاید و به اعمال صالح مبادرت ورزید، قبل از اینکه مشغول شوید. (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۸/۷۷)

در حدیث دیگری رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «اعترفوا بنعم الله ربکم عزوجل و توبوا الیه من جمیع ذنوبکم فان الله یحب الشاکرین؛ به نعمت‌های خداوند اعتراف کنید، خداوندی که پروردگارتان است و از تمامی گناهان به سوی او توبه کنید، زیرا خداوند، بندگان شکرگذار را دوست دارد. (افراسیابی، ۱۳۸۰: ۷۰)

همچنین از پیامبر ﷺ نیز درباره بازگشت و توبه روایت شده که حضرت فرمودند: «توبوا الی الله من ذنوبکم و ارفعوا الیه بالدعا فی اوقات صلوتکم، فانها افضل الساعات؛ از گناهانتان به درگاه خدا توبه کنید و در اوقات نمازتان دستهای‌تان را برای دعا به سوی بلند کنید؛ پس همانا بهترین اوقات، اوقات نماز است. (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۷/۹۶)

۴.۲.۳. وجوب توبه از نظر اجماع

علاوه بر کتاب و سنت، اجماع هم بر وجوب توبه دلالت می‌کند. در این باره فیض کاشانی در محجة البیضاء خویش آورده است:

قال ابو حامد و الاجماع منعقد من الامته الی وجوبها اذا معناه العلم بان الذنوب و المعاصی مهلكات و مبعثات من الله و هذا داخل فی وجوب الایمان؛ ابو حامد گفت اجماع از امت تشکیل می‌شود و دلالت می‌کند بر وجوب توبه، زیرا معنای توبه علم است به اینکه گناهان و معاصی باعث هلاکت و دوری انسان از خدا می‌شود و این داخل در وجود ایمان است. (فیض کاشانی، ۱۳۸۸ق: ۹/۷)

حضرت علیؑ در قسمتی از سخنان‌شان چنین می‌فرمایند:

وجعلنا الله وایاکم من التائبین العابدین و... فاکثرو ذکر ربکم الله تعالی و استغفروه و توبوا الیه آنه هو التواب الرحیم؛ خداوند ما و شما را از توبه‌کنندگان و بندگان عابدش قرار دهد؛ پس خداوند بزرگ را بسیار یاد کنید. از او بخشش بجویید و به سوی او بازگردید. همانا خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. (محدث نوری، ۱۴۱۷: ۱۲/۱۲۸)

مرحوم شیخ انصاری از قدما و آیت الله بجنوردی از معاصرین درباره توبه، اجماع نظر دارند و توبه را از فوریات می‌دانند: و اما الاجماع قد ادعا غیر واحد کصاحب الذخیرت المعاد و شارح اصول الکافی، بل ادعی هو الاجماع امت علیه و نحن لم نجد مخالفاً فی اصل الوجوب؛ ما مخالفتی را در وجوب توبه نمی‌یابیم. (بجنوردی، ۱۳۹۴: ۷/۳۳۳)

۴.۲.۴. وجوب توبه از نظر عقل

دلایل عقلی هم بر وجوب توبه اقامه شده است، از آن جمله:

۱. لزوم دفع ضرر احتمالی: دفع ضرر به حکم عقل واجب است، از سویی به وسیله توبه دفع ضرر عظیم که همان عذاب الهی است، می‌شود. (همان: ۳۳۷)

شیخ طوسی در وجوب توبه می‌گوید: «توبه واجب است برای اینکه دفع ضرر کند و به خاطر وجوب پشیمانی بر هر کار زشتی و یا اخلال به هر امر واجبی». (طوسی، ۱۳۹۲: ۵۸۵)

۲. وجوب شکر منعم: عقل در این معنا مستقلاً حکم بر وجوب شکر منعم می‌نماید و به مقتضای آیه شریفه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»؛ آیا جزای نیکی جز نیکی خواهد بود؟ (الرحمن: ۶۰)

واجب است انسان در مقابل نعمت‌های بی‌شماری که از حضرت باری تعالی به او می‌رسد در مقام اطاعت و فرمانبرداری از اوامر و نواهی او باشد و در صورت عصیان فوراً بازگشت نماید و سر پیچی از دستورات الهی و انجام محرمات و شرک و این‌ها مصداق ناسپاسی است. از این رو انسان برای بازگشت به شکر و سپاس خدا باید توبه کند.

شکی نیست در اینکه انسان به واسطه ارتکاب معاصی خواه آن معاصی ترک واجبات باشد یا انجام محرمات، ارزشش کمتر می‌شود، بلکه چه بسا از حیوان هم پست‌تر می‌گردد و این قول خداوند که می‌فرماید: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ آنها فقط همچون چهار پایان‌اند بلکه گمراه‌تر» (فرقان: ۴۴)، اشاره به همین مطلب دارد، لیکن انسان با توبه می‌تواند موانع رشد را از میان برداشته و مراتب و درجات کمال معنوی را طی کند.

پس از اینکه از طریق قرآن، سنت، اجماع و عقل و جوب توبه، اثبات شد، در ادامه مناسب است درباره فوری بودن توبه مباحثی را نیز تبیین و روشن کنیم.

۳.۴. فوری بودن توبه

آیا وجوب توبه فوری است یا امکان تأخیر در توبه وجود دارد؟ تأخیر انداختن کارهای نیک و یا جبران گذشته یکی از راهکارهای عملی شیطان است که انسان‌ها را به آن مبتلا می‌نماید. بدین معنا که هر گاه انسان می‌خواهد کار نیکی انجام دهد به ناگاه از درون وسوسه می‌شود که هنوز فرصت برای انجام این کار وجود دارد ضرورتی برای انجام آن در زمان فعلی وجود ندارد. از این موضوع در اسلام به عنوان «تسویف» به معنای «تأخیر کردن» یاد شده است. (فرهنگ معین، ۱/ ۱۰۸۳)

یکی از مواردی که شیطان بسیار از این راه کار عملی استفاده نموده و موفق هم بوده است، تأخیر انداختن توبه است، به همین جهت در قرآن و روایات از تسویف نهی شده است: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ از سوی خدا تنها برای کسانی است که کاربدی را از روی جهالت انجام می‌دهند، سپس زود توبه می‌کنند، خداوند توبه چنین اشخاصی را می‌پذیرد و خدا دانا و حکیم است.» (نساء: ۱۷)

منظور از جهالت چیست؟ آیا همان جهل و نادانی و بی‌خبری از گناه است؟ یا عدم آگاهی از اثرات شوم و عواقب دردناک آن می‌باشد؟

کلمه «جهل» و مشتقات آن اگر چه به معنای گوناگونی آمده است، ولی طبق قرائن، برخی از علما معتقدند:

منظور از آن در آیه مورد بحث، طغیان غرایز و تسلط هوس‌های سرکش و چیره شدن آنها بر نیروی عقل و ایمان است. در این حالت علم و دانش انسان به گناه اگر چه از بین نمی‌رود، اما تحت تأثیر آن غرایز سرکش قرار گرفته و عملاً بی‌اثر می‌گردد و هنگامی که علم اثر خود را از دست داد، عملاً با جهل و نادانی برابر خواهد بود و تبدیل به عمل بدون توجه به دستورات عقل خواهد شد، ولی اگر گناه بر اثر چنین جهالتی نباشد بلکه از روی انکار حکم پروردگار و عناد و دشمنی انجام گیرد. چنین گناهی حکایت از کفر می‌کند و به همین جهت توبه آن قبول نیست، مگر اینکه از این حالت بازگردد و دست از عناد و انکار بشوید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۳/۳۱۴) در تفسیر نمونه ذیل آیه فوق آمده است:

جمله «ثم یتوبون من قریب» یکی از شرایط توبه می‌باشد و معنای آن چنین است: «به زودی توبه می‌کنند». برخی می‌گویند کلمه قریب در این آیه به معنی نزدیک به گناه است. یعنی به زودی از کار خود پشیمان شود و به سوی خدا بازگردد. زیرا توبه کامل آن است که آثار و رسوبات گناه را به طور کلی از روح و جان انسان بشوید و کمترین اثری از آن در دل باقی نماند و این در صورتی ممکن است که در فاصله نزدیکی قبل از آنکه گناه در وجود انسان ریشه بدواند و به شکل طبیعت قانونی درآید، از آن پشیمان شود. در غیر این صورت غالباً اثرات گناه در زوایای قلب و جان انسان باقی خواهد ماند؛ پس توبه کامل توبه‌ای است که به زودی انجام پذیرد و کلمه قریب از نظر لغت و فهم و عرف نیز با این معنا مناسب‌تر است. (همان: ۳۹۵)

همچنین علامه طباطبایی درباره فوری بودن وجوب توبه می‌فرماید:

... و بنابراین جمله «ثم یتوبون من قریب» کنایه از این است که وقتی گناهی از آنان سر می‌زند در توبه کردن امروز و فردا نمی‌کنند و فرصت را از دست نمی‌دهند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۳۷۶)

در اخبار و احادیث وارده از ائمه علیهم‌السلام فوریت وجوب توبه بسیار شفاف مطرح شده است، چنان که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «وان فارقت سیئة وعجل محوها

بالاتوبه»؛ اگر گناهی را مرتکب شدی در محو کردن آن با توبه تعجیل کن. (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۷/۲۱۰)

در حدیث دیگری از حضرت علی علیه السلام در پاسخ کسی که تقاضای موعظه کرد فرمودند:

لا تكن ممن يرجو لآخرت بغير عمل ويرجى التوبة بطول الأمل و ان عرضت له و شهوة اسلف المعصيته و سوف التوبة؛ و از کسانی مباش که بدون عمل، امید سعادت آخرت را دارند و توبه را با آرزوهای دور و دراز به تأخیر می‌اندازند؛ و... هرگاه شهوتی بر آن‌ها عارض می‌گردد گناه را به جلو می‌اندازند و توبه را به تأخیر می‌افکنند. (شهیدی، ۱۳۸۶: ۳۸۹)

مؤلف کتاب شریف تذکرة المتقين و جوب توبه را فوری دانسته و می‌نویسد:

و جوب توبه فوری است، زیرا همچنان که اگر کسی ستمی خورده باشد و طالب صحت بدنش باشد، لازم است بر او فوری آن سم را باقی کردن و... از بدنش خارج نماید و اگر در این کار سهل‌انگاری کند باعث هلاکت او خواهد شد. مسمومات معاصی نیز چنین است که اگر فرد در توبه سهل‌انگاری کند چه بسا بمیرد و ختم به شر گردد. (بهاری همدانی، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۹)

مرحوم آیت الله بجنوردی مؤلف کتاب «قواعد الفقهیه» توبه را از دیدگاه عقل بررسی کرده و فرموده است:

عقل حکم می‌کند که انسان با توبه از دنیا برود و اگر موفق به توبه نشود و شخص به عقوبت گناهی که انجام داده و توبه نکرده گرفتار شود آنچه انسان را از این احتمال ایمن می‌کند توبه فوری است. ثانیاً بر فرض تأخیر در توبه موجب دور شدن از حضرت باری تعالی می‌شود و عقل به رهایی فوری از آنچه موجب دوری از حضرت حق و مانع از وصول به قرب باری تعالی می‌شود حکم می‌کند. (بجنوردی، ۱۳۹۴: ۷/۳۵۱-۳۵۰)

آیت الله دستغیب نیز درباره اثر تأخیر توبه معتقد است:

در اثر آلودگی به گناه و تأخیر در توبه، تاریکی و تیرگی بر دل زیاد می‌شود مانند نفسی که به آینه دمیده می‌شود. هرگاه ظلمت گناهان بر قلب زیاد شد چرکی می‌شود و چنانچه بر اثر زیادی نفس بر آینه آن را زنگ می‌گیرد و در این صورت قلب مهر شده و بسته می‌گردد، به طوری که هیچ حق را نمی‌پذیرد. (دستغیب، ۱۳۶۲: ۲/۳۶۵)

۴.۴. قبولی توبه

بعد از پی بردن به عظمت و اثر توبه این سؤال مطرح می‌شود که آیا توبه پذیرفته می‌شود یا خیر؟ در این زمینه آیات شریفه و روایات دیگر روشنگر مسئله هستند. خداوند رحمان در این آیه شریفه می‌فرماید:

«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ آیا نمی‌دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگانش می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد و خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.» (توبه: ۱۰۴)

از این آیه شریفه، دو نکته استفاده می‌شود؛ اولاً توبه‌پذیر خداوند است. ثانیاً خداوند توبه بندگانش را می‌پذیرد. قریب به همین مضمون در آیه شریفه دیگری نیز وارد شده است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید «و هو الذی یقبل التوبة عن عباده و یعفو عن السيئات». (شوری: ۲۵)

بنابراین مسلم است که در صورت ثبوت توبه، قبول آن را از سوی خداوند حتمی است این قول الهی نیز مؤید این معناست.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا؛ خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد! و پایین‌تر از آن را برای هر کس (بخواهد و شایسته بداند) می‌بخشد و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است.» (نساء: ۴۸)

واژه توبه در آیات متعددی از قرآن به کار رفته است. در برخی موارد به معنای توبه انسان به سوی خداوند و در برخی موارد به معنای توبه خدا به سوی انسان است.

وجه مشترک هر دو معنا بازگشت است، لیکن فرق توبه خدا با توبه انسان، آن است که توبه انسان برگشت به سوی خدا با ترک گناه و تصمیم بر انجام ندادن آن گناه است و توبه خداوند بازگشت خدا به سوی بنده با رحمت و مغفرت و به معنای توفیق دادن به بنده برای توبه کردن است. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و گروهی دیگر، به گناهان خود اعتراف کردند و کار خوب و بد را به هم آمیختند؛ امید می‌رود که خداوند توبه آن‌ها را بپذیرد؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است.» (توبه: ۱۰۲)

حضرت علی علیه السلام درباره شخص تائب می‌فرماید: «المقر بالذنب تائب»؛ کسی که اقرار به گناه می‌کند توبه‌کننده است. امام خمینی رحمته الله در اهمیت توبه و مهار نفس اماره در شرح چهل حدیث می‌فرماید:

ای عزیز، مبدا شیطان و نفس اماره تو را وسوسه نمایند و این مطلب را بزرگ نمایش دهند و تو را از توبه منصرف کنند و کار تو را یکسره نمایند. بدان که در این امور هر قدر ولو به مقدار کمی نیز باشد اقدام بهتر است. ناامید مباش که اگر توبه مقدار مقدور اقدام کنی حق تعالی راه را بر تو عملی می‌کند و راه نجات را به تو نشان می‌دهد. بدان که یأس از رحمت حق بزرگ‌ترین گناه در نفس است که گمان نمی‌کنم هیچ گناهی بدتر و بیشتر از آن تأثیر نماید. انسان مأیوس از رحمت حق چنان ظلمتی قلبش را فرا گیرد که با هیچ چیز اصلاحش نمی‌توان نمود. مبدا از رحمت حق غافل شوی و گناهان در نظرت بزرگ آید. (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۲۷۸)

۵. توبه عامل سقوط مجازات

اسلام در برخورد با گناهکاران اصراری بر اجرای مجازات ندارد، از این رو راه‌های گوناگونی را برای عدم اجرای مجازات یا سقوط آن پیش‌بینی کرده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

مبحث توبه سه مرحله دارد:

ارکان توبه: تذکر این نکته بایسته است که حقیقت توبه همان پشیمانی از گناه و تصمیم بر عدم تکرار آن در آینده است و بُعد معرفتی مربوط به قبل از توبه و شرط آن است و بعد عملی نیز اثر توبه است نه در حقیقت توبه:

اول، رکن پیشین: بعد معرفتی توبه به عنوان پیش شرط، در مرحله نخست شخص به مقام و عظمت خداوند معرفت می‌یابد و می‌فهمد که با فاصله گرفتن از خداوند و سرپیچی از فرمان باری تعالی اسیر دست شیطان شده است و ریشه این گرفتاری و اسارت را در جهل و جسارت خود نسبت به پروردگار می‌داند. و بالاخره به آثار شوم گناه و نافرمانی خود از خداوند پی می‌برد.

دوم، رکن میانی: حالت پشیمانی و تأثر قلب نسبت به گذشته و تصمیم بر اصلاح خویش پس از حصول معرفت و شناخت در مرحله دوم حالتی در او ایجاد می‌شود که به موجب آن نسبت به از دست دادن فواید ارتباط با خدا متأثر است و از انجام دادن کارهای که موجب از دست دادن موحد و محبوب و فاصله گرفتن از او شده پشیمانی می‌شود و تصمیم می‌گیرد وظایف خود را انجام دهد و از کارهایی که منع شده پرهیزد.

سوم، رکن پسین یا بعد عملی و رفتاری توبه، در مرحله سوم شخص دست به

کاری می‌شود و در مقام عمل به ادای وظیفه خویش می‌پردازد. (همان: ۲۷۳)

تصمیم می‌گیرد در آینده تخلف نکنند و گذشته را جبران نمایند. از عهده حقوق الناس که که تقویت کرده است برآید و عباداتی را که ترک کرده است قضا نماید. قرآن کریم در سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ مگر آن‌ها که پیش از دست یافتن شما بر آنان، توبه کنند؛ پس بدانید (خدا توبه آنها را می‌پذیرد) خداوند آمرزنده و مهربان است». (مائده: ۳۴)

در مورد جرایمی که نیاز به جبران گذشته ندارد تنها به توبه اشاره شده است که منظور از آن ندامت از گذشته و تصمیم بر ترک گناه در آینده است، اما در مورد جرایمی که نیاز به جبران داشته باشد علاوه بر توبه به اصلاح و جبران گذشته نیز دستور داده شده است. چنان که خداوند در خصوص سرقت فرموده است: «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ اما آن کس که

پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می‌پذیرد؛ و از این مجازات؛ معاف می‌شود، زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است». (مائده: ۳۹)

منظور از اصلاح بعد از توبه همان جبران گذشته و جلب رضایت کسانی است که اموال یا حیثیت آنها مورد تعدی واقع شده است.

از جمله آیات هفدهم و هجدهم سوره مبارکه نساء که می‌فرماید: «التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُوْلَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا* وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كَفَّارًا أُوْلَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا». (نساء: ۱۸)

از آیات فوق به صراحت استفاده می‌شود تنها توبه حقیقی کسانی که از روی ناآگاهی و نفهمی مرتکب گناه شدند و زود پشیمان شدند پذیرفته می‌شود و توبه کسانی که به هنگام تعیین به مرگ توبه کند و در حال کفر می‌میرند هرگز مقبول درگاه الهی قرار نمی‌گیرد. (فیضی، ۱۳۶۴: ۶۰)

نتیجه:

اهمیت و ضرورت توبه و استغفار در زندگی انسان، به خصوص در زمان معاصر دو چندان احساس می‌شود، چرا که انسان مورد انواع هجمه‌های شیطان، نفس اماره، وسوسه‌های شیطانی و ایادی ابلیس قرار می‌گیرد و تنها راه نجات و امید انسان گناهکار و روسیاه توبه و بازگشت به سوی خداوند است.

توبه فریادی است همراه با پشیمانی قلبی، دوری از معاصی، عزم بر عدم بازگشت به گناه، طلب و آمرزش از خداوند و تلاش در راستای اداء و جبران گذشته (حق الله و حق الناس).

تأکید و سفارش آیات و روایات، تشویق و امیدوار شدن گناهکاران و قبولی توبه آنان را می‌رساند و نشان از اهمیت توبه در خودسازی، آرامش روحی و روانی انسان دارد.

بدون تردید توبه‌ای که همراه با صداقت، داشتن شرایط و ارکان آن از سوی خاطی انجام شود، عامل محو مجازات‌های دنیوی و اخروی وی شده و در نهایت فرد مورد غفران الهی خواهد بود، زیرا از دیدگاه آیات و روایات، توبه کفاره گناه او محسوب می‌شود؛ توبه حقیقی گناهان را نابود می‌کند.

خداوند متعال در آیه شریفه می‌فرماید: «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ اما آن کس که پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می‌پذیرد [و از این مجازات معاف می‌شود، زیرا] خداوند، آمرزنده و مهربان است». (مائده: ۳۹)

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تحقیق و تصحیح جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- ابن فارس احمد (بی‌تا)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- اسحاقی محمد (۱۳۸۷)، مقاله تقریرات دروس دکترا جزا، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- بازگیر، یدالله (۱۳۸۲)، قانون مجازلت اسلامی در آئینه آرا دیوان عالی کشور، تهران: نشر بازگیر.
- بجنوردی، سید محمد حسن (۱۳۹۴)، «القواعد الفقیه»، قم: نشر الهادی.
- حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۹)، وسایل الشیعه، قم: موسسه آل البيت (ع).
- خسروی حسینی، سید غلامرضا (۱۳۸۷)، ترجمه و تحقیق المفردات الفاظ القرآن، قم: المكتبة المرتضوية.

- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین (۱۳۶۲)، گناهان کبیره، تهران: ناس.
- دلیر نقی‌نیا، منیره (۱۳۸۵)، پایان نامه «ندامت و حسرت و راه‌های پیشگیری آن‌ها»، مشهد.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، تهران: نشر دانشگاه.
- علامه مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۵)، بحارالانوار، بیروت: دارالکتب العربی.
- قریشی علی اکبر (۱۳۵۴)، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- فرح‌بخش، مجتبی (۱۳۸۲)، «ما هنامه دادگستر» ش ۲۶.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۸۸)، المحجة البيضاء فی تهذیب الحیاء، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فیض، علیرضا (۱۳۶۴)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸)، شرح چهل حدیث، قم: نشر عروج.
- محدث نوری، حسین (۱۴۱۷)، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت علیهم‌السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی، سیدرضا (۱۳۸۸)، آشنایی با حقوق جزای عمومی اسلامی، مشهد: نشر دانشگاه فردوسی.
- میلانی، علیرضا (۱۳۸۶)، نگرشی بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، تهران: نشر میزان.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۷۷)، جواهرالکلام، نجف: دارالکتاب الاسلامیه.
- جوهری، محمد بن حماد (۱۸۸۲)، الصحاح، تحقیق شهاب الدین ابوعمر، بیروت: دارالفکر.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران: چاپخانه سپهر.

- بهاری همدانی، محمد(۱۳۸۲)، تذکرة المتقين، مشهد: بنياد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- محمد بن حسن، حر عاملی(۱۳۸۰)، ترجمه، جهاد النفس وسایل الشیعه، علی افراسیابی، قم: نشر نهاوندی..